

متن پیاده سازی شده جلسه هشتاد و هفتم سال پنجم درس خارج فقه القضا 23 اردیبهشت ماه 1402

بسم الله الرحمن الرحيم

بیان حدیث

عن الإمام أبي عبدالله الصادق عليه السلام: إِنَّ مِنْ أَكْبَرِ السِّحْرِ النَّمِيمَةَ يُفَرِّقُ بِهَا بَيْنَ الْمُتَحَابِّينِ وَ يُجَلِّبُ الْعَدَاوَةَ عَلَى الْمُتَصَافِيَيْنِ وَ يُسْفِكُ بِهَا الدِّمَاءَ وَ يَهْدِمُ بِهَا الدُّورَ وَ يُكْشِفُ بِهَا السُّتُورَ وَ النَّمَامُ أَشْرُّ مَنْ وَطِئَ الْأَرْضَ بِقَدَمٍ.

ما به حسب نقل معروف در هفته جاری سالروز شهادت امام صادق (ع) را داریم و به همین خاطر مناسب دیدم که به مناسبت بحث های شنبه و مناسبت روز سه شنبه حدیثی را از امام صادق (ع) داشته باشیم.

بهترین درمان برای خلأهای اخلاقی، معرفتی و اعتقادی آشنایی با کلمات حضرات معصومین (ع) است و گویا هر آنچه زمان می گذرد بیشتر عظمت این کلمات روشن می شود. ما همیشه بزرگانی داشتیم که کلمات سترگی داشتند اما خیلی اوقات کلماتشان مشمول مرور زمان شده است ولی این تبدیل را در کلمات معصومین (ع) نمی بینیم و به همین خاطر لازم است اولاً با کلمات آن ها آشنا بشویم و ثانیاً به آن عمل کنیم و نه اینکه کتاب بنویسیم ولی ضد آن عمل کنیم و ثالثاً آن را به دیگران انتقال بدهیم.

حالا نمی دانیم در هفته گذشته که صدها نماز جمعه خوانده شد و هفته ای که می آید همچنین، آیا چیزی از امام صادق (ع) گفته می شود، و اگر گفته نشود خیلی اشتباه می کنند. گاهی اصطلاح «مدیریت اولویت ها» را به کار می بریم به اینکه انسان اولویت ها را بفهمد و آن را مدیریت کند که کدام یک اولویت اول و کدام یک دوم است و هكذا. متأسفانه خیلی اوقات انسان در مدیریت اولویت ها می ماند، مثل کسی که پنج میلیون پول برای یک ماه دارد حالا اگر همین پول را روز اول هزینه کند آن وقت در همه کارهایش می ماند، و حال اینکه در روایت «تقدیر المعیشه» داریم که در واقع همان مدیریت اولویت هاست. همچنین این مدیریت باید در اداره جامعه، زندگی و اخلاق باشد و الا بنا به قول یکی از علمای معاصر ما شوخی را جدی کردیم و جدی را شوخی کردیم. خیلی عجیب است!، کما اینکه ما هم گاهی از تکه های تاریخ بیان کردیم که چه چیزهایی برای بعضی ها در یک زمانی مهم بوده است که الان مسخره است و چه چیزهایی که مهم بوده و مورد توجه واقع نشده است. به هر صورت باید با کلمات ائمه (ع) آشنا شد و عمل کرد و به دیگران منتقل کرد. بارها عرض کردم که من و شما یک باری را برداشته ایم که آن بار کمر را خم می کند و آن هم بار دیگران است، لذا اگر کوتاهی کنیم ابتدا به سراغ ما خواهند آمد و بعد به سراغ جاهل می روند.

در حدیثی که ذکر شد امام (ع) فساد نمایی را که عرب تعبیر به «نمیمه» می کند اولاً می فرمایند که بزرگ ترین سحر است؛ یعنی اول باید تتبع کنید که چه آثاری بر سحر مترتب است که بر نمایی هم مترتب است. مگر ساحر چه عملی انجام می دهد؟! ساحر بین زن و شوهری که دوست هستند ایجاد اختلاف و دشمنی می کند و چه بسا خون ریخته شود و زندگی ها متلاشی شود و حرمت ها شکسته شود، لذا امام (ع) می فرمایند همه این ها بر نمایی مترتب است منتهی همه سحر را بلد نیستند ولی خیلی ها نمایی را بلد هستند. حضرت فرمودند: «إِنَّ مِنْ أَكْبَرِ السِّحْرِ النَّمِيمَةَ»، بزرگ ترین مصداق سحر نمایی است. ممکن است تعریف سحر بر نمایی صادق نباشد ولی آثارش وجود دارد.

بعد حضرت برای نمایی و ایجاد اختلاف پنج اثر شمردند: 1. ایجاد اختلاف 2. دشمنی 3. خون ریزی 4. خرابی خانه ها 5. پرده

دری.

حضرت می فرمایند: «وَ النَّمَامُ أَشْرُّ مَنْ وَطِئَ الْأَرْضَ بِقَدَمٍ»، یعنی بدترین موجودی که در زمین راه می رود شخص نام است. سیما، سیمای یک انسان است ولی باطن، باطن یک فتنه گر است.

در مقابل نامی، اصلاح ذات البین است. اگر نام ایجاد اختلاف و دو قطبی می کنند، اصلاح ذات البین به یک قطبی کمک می کند، یعنی نامی دیوار ایجاد می کند ولی اصلاح ذات البین پل ایجاد می کند.

دقت داشته باشید که اصلاح ذات البین تا جایی پیش می رود که حتی در مورد آن فرمودند دروغ مجاز می شود، یعنی دروغی که مفتاح هر شر است و از گناهان کبیره است، اگر اصلاح ذات البین بر آن متوقف باشد مجاز می شود و به علاوه گاهی اوقات آن را مستحب می دانیم، مثلاً بین زن و شوهری اختلاف ایجاد شده است، انسان می بیند اینجا اگر دروغی بگوید به اینکه به زن بگوید شوهرش در پشت سرش اظهار محبت می کرده است؛ البته این هم نباید غلط انداز باشد به طوری که این ها بر یک بنیاد باطنی بروند، لذا این ها هم مدیریت می خواهد.

با این حال دروغ با آن شکل برای ذات البین نشان می دهد که نزد شارع مقدس چقدر نزدیکی قلب ها مهم است. لذا باید از این حکم شارع در اصلاح ذات البین عکس نقیض بگیریم که چقدر نامی و ایجاد اختلاف قبیح است.

نکته دیگر اینکه متأسفانه نامی احتیاج به قصد ندارد و اگر قصد احتیاج داشت به اینکه به انسان گفته می شد آیا می-خواهید فتنه کنید و بین دو نفر ایجاد اختلاف ایجاد کنید، خیلی افراد می گفتند خیر؛ اما نکته این است که نامی تابع نتیجه است و تابع قصد نیست و لذا گاهی اوقات صحبت ها و نوشته های انسان ها نامی است و باید توجه داشت که در نامی احتیاج نیست بین دو شخص خاص باشد و اگر انسان در یک نهاد ایجاد شقاق کند باز هم نامی صادق است، کما اینکه بعضی افراد حوزه و مکتب و دین را تقسیم می کنند و به گمان خودشان کار صحیحی انجام می دهند و این آثار همین نامی را دارد و نامی را هم نباید به سخن چینی معنا کرد بلکه خود لغت معنای آن را موسع بیان می-کند به اینکه معنایش ایجاد اختلاف و دو قطبی است؛ خیلی اوقات واقعا توجه نداریم، مثلاً اگر بعضی روزنامه ها، خبرگزاری ها و کانال ها را ببینید ایجاد شقاق و اختلاف می کنند که نامی بر آن صادق است.

نکته دیگر هم اینکه نیمه مانند خیلی چیزهای دیگر مصادیق روشن و پنهانی دارد و انسان نسبت به آن مصادیق واضح راحت است و به طرف آن نمی رود ولی با این حال باید از سخنان و مطالبی ترسید که واقع نیمه را دارد ولی محسوس نیست. به هر صورت باید مواظب بود و فراموش نکنیم که ﴿إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾، خداوند متعال هم در حسابش دقیق است و یک وقت خیال نکنیم که ﴿وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ﴾، یعنی خداوند در محاسبه اش مسامحه می کند؛ حالا ممکن است بعد از حساب اگر حق الناس نباشد ببخشد اما با این حال در حساب دقیق است. إن شاء الله خداوند توفیق بدهد که بتوانیم معارف اهل البیت (ع) را یاد بگیریم و عمل کنیم و هم به دیگران منتقل کنیم.

**پرسش**

بحث در مورد مصونیت کیفری پناهنده به اماکن مقدس بود که نتیجه این شد کعبه و حائر حسینی (علیه السلام) از هر جانبی 25 ذراع مصون است.

سؤال: مصونیت کیفری پناهنده به حائر حسینی (ع) را به استناد برخی روایات پذیرفتید، با این توضیح که مطلق است و شامل ما نحن فیه می شود که مسئولیت کیفری باشد. حال آیا در اخذ به گستره و نطاق الفاظ نباید بستر و فضای تاریخی استار آن ها را ملاحظه کرد؟ (یعنی باید به فضای تاریخی صدور روایات توجه شود.)

آیا در زمان صدور این روایات در عهد خلافت عباسیان و خلیفه ای مانند منصور دوانقی که قبر حضرت را تخریب می نماید معنا داشته کسی به حائر حسینی (ع) آن هم با این توسعه پناهنده شود و در امان باشد، آیا این فضا نمی تواند قرینه بر خلاف اصل اطلاق و موجب انصراف شود؟

به عبارت دیگر اصلاً منظور پناهندگی فیزیکی نیست بلکه منظور پناهندگی معنوی و روحی است، که آن وقت طبیعاً ربطی به مصونیت کیفری نخواهد داشت.

جواب: در اینجا باید توجه داشت که اگر منظور پناهندگی فیزیکی نیست آن وقت تعین 25 ذراع در 25 ذراع چیست؟! آیا این برای فیزیکی است یا برای قلبی و روحی است؟ اگر قلبی و روحی باشد انسان از هر کجا که باشد می تواند مستجیر به حضرت

شود. اصلاً این بحث به دلیل تعیین حدّ برای پناهنده شدن، مراد حدّ فیزیکی است.

مضاف بر اینکه ائمه (ع) در یک مقاطعی در فضای باز بودند و در یک مقاطعی تحت فشار بودند. دوران امام باقر (ع) و مقدار معتناهی از دوران امام صادق (ع) دوران فُسحه ائمه (ع) است؛ البته بعد از اینکه بنی عباس مستقر شدند آن وقت سخت گیری شروع شد و این زمان هم که در مورد قبور ائمه (ع) اشاره می شود در زمان متوکل است که اصلاً ربطی به زمان امام صادق (ع) ندارد؛ یعنی باید هم دوران فسحه را دید و هم دوران شدت را دید.

ضمن اینکه ممکن است ائمه (ع) مطلبی را بیان کنند که موردی در زمان خودشان نداشته باشد یا مصداق کم داشته باشد ولی در زمان آینده مورد داشته باشد؛ لذا اگر کلام مصداق داشته باشد ولو برای بعضی زمان ها همین کافی است.

روایت: إِسْحَاقُ بْنُ عَمَّارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ: إِنَّ لِمَوْضِعِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ع حُرْمَةً مَعْلُومَةً - مَنْ عَرَفَهَا وَ اسْتَجَارَ بِهَا أُجِيرَ قُلْتُ فَصِيفٌ لِي مَوْضِعَهَا جُعِلْتُ فِدَاكَ قَالَ امْسَحْ مِنْ مَوْضِعِ قَبْرِهِ الْيَوْمَ فَاَمْسَحْ خَمْسَةً وَ عَشْرِينَ ذِرَاعاً مِنْ نَاحِيَةِ رَجُلَيْهِ - وَ خَمْسَةً وَ عَشْرِينَ ذِرَاعاً مِمَّا يَلِي وَجْهَهُ وَ خَمْسَةً وَ عَشْرِينَ ذِرَاعاً مِنْ خَلْفِهِ وَ خَمْسَةً وَ عَشْرِينَ ذِرَاعاً مِنْ نَاحِيَةِ رَأْسِهِ. اینجا بحث قبر است و می فرمایند که قبر امام (ع) حرمت دارد و اگر کسی به آن پناهنده شود مستجیر است، بعد روای می گوید مکان آن را برای من مشخص کن، که حضرت فرمودند همان موضعی که قبر الان است از هر طرف 25 ذراع جلو بروید.

این ها که بحث پناهندگی معنوی نیست. در اینجا بیشتر مراد به همین جنبه ظاهری و مصونیت از کیفر است و الا اینکه خدا شخص را می آمرزد، این ها اگر شخص در کنار قبر هم نباشد همینطور است. لذا به نظر ما همان برداشتی که بیان کردیم صحیح است.

تذکر: در عبارت متن (صفحه 552) نوشته ایم: «اختلاف مدلول روایات در تعیین مقدار حریم نیز مانعی برای قبول روایات ایجاد می کند» که اینجا «نمی کند» صحیح است.

## بیان مسأله

ما نسبت به حرم مکه و قبر امام حسین (ع) مصونیت شخص پناهنده را پذیرفتیم. اما اینجا یک شخصی می گوید ما برخی روایات را داریم که ائمه (ع) مکان های دیگری را هم حرم محسوب کردند، لذا حکم آن چه می شود؟

الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْقُمِّيُّ فِي تَارِيخِ قُمَّ، رَوَى عِدَّةً مِنْ أَهْلِ الرَّيِّ أَنَّهُمْ دَخَلُوا عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع وَ قَالُوا نَحْنُ مِنْ أَهْلِ الرَّيِّ فَقَالَ ع مَرَحَباً بِإِخْوَانِنَا مِنْ أَهْلِ قُمَّ فَقَالُوا نَحْنُ مِنْ أَهْلِ الرَّيِّ. فَأَعَادَ ع الْكَلَامَ قَالُوا ذَلِكَ مِرَاراً وَ أَجَابَهُمْ بِمِثْلِ مَا أَجَابَ بِهِ أَوَّلًا. فَقَالَ إِنَّ لِلَّهِ حَرَمًا وَ هُوَ مَكَّةُ وَ إِنَّ لِلرَّسُولِ ص حَرَمًا وَ هُوَ الْمَدِينَةُ وَ إِنَّ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع حَرَمًا وَ هُوَ الْكُوفَةُ وَ إِنَّ لَنَا حَرَمًا وَ هُوَ بَلْدَةُ قُمَّ وَ سَتَدْفَنُ فِيهَا امْرَأَةً مِنْ أَوْلَادِي تَسْمَى فَاطِمَةَ فَمَنْ زَارَهَا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ. قَالَ الرَّاوي وَ كَانَ هَذَا الْكَلَامُ مِنْهُ ع قَبْلَ أَنْ يُوَلَّدَ الْكَاطِمُ عَلَيْهِ السَّلَام.

آیا از این روایت مصونیت پناهندگان به این اماکن مقدس به دست می آید؟

اولاً روایت از لحاظ سند مشکل دارد. ثانیاً آیا واقعا اخلاق ائمه (ع) چنین بوده است که یک عده از اهل ری خدمت حضرت برسند و بعد حضرت چنین پاسخ دهند که برای اهل ری بد باشد و برای اهل قم خوب باشد. لذا شاید ما نتوانیم این را بپذیریم و اصولاً باید نسبت به روایت های شهرها و اقوام بد گمان بود و ممکن است بعضی از اهل قم دوست داشته باشند چنین روایاتی را درست کنند. به همین خاطر ما بیان کردیم با اغماض از برخی ملاحظات که همین ها باشد در بحث دلالت بیشتر به نظر می آید که این شهرها، یک شهرهای خاص هستند.

حالا اگر از این روایت هم بگذریم واقعا قم در طول تاریخ حرم اهل البیت (ع) بوده است، یعنی حتی زمانی که ایران در دست اهل عامه بود و با این حال آثار قم و کوفه را نگاه کنید. متأسفانه در مورد کوفه به خاطر جریان کربلا نگاه منفی به آن شده است ولی در طول تاریخ کوفه مأمّن معارف اهل البیت (ع) بوده است، چون یک شهر استراتژیک هم بوده است و از آنجا به جاهای مختلفی در ارتباط بوده است. بله، از آن جهت درست است که آن ها لغزیدند و اشتباه کردند و خودشان هم نمی دانستند که چه اشتباهی کردند ولی حالا یک خبط مقطعی در یک دوران معنایش این نیست که در طول تاریخ دیگر نگاه منفی به آن شهر شود.

همچنین درست است که واقعا کوفه حرم امیرالمؤمنین (ع) است اما اینکه بخواهیم از آن استفاده پناهندگی کنیم چنین نیست و اگر دقت داشته باشید ما در روایات از کلمه «حرم و حریم» استفاده نکردیم و در مورد امام حسین (ع) هم بخاطر کلمه

«مستجیراً» بود، و لذا در زیارت جامعه هم است که «أَمِنْ مَنْ لَجَأَ إِلَيْكُمْ» و شاید آن هم به همین معنا باشد، یعنی در امنیت

است و عمده بحث زیارت جامعه هدایت و ضلالت است و لذا ما از زیارت جامعه هم چیزی استفاده نمی کنیم. یا همچنین در زیارات هفته که به اهل البیت (ع) سلام می دهیم، مثلاً «أَنَا ضَيْفُكَ فِيهِ وَ جَارُكَ فَأَضِيفْنِي يَا مَوْلَايَ وَ أَجْرُنِي فَإِنَّكَ كَرِيمٌ تُحِبُّ الضِّيَافَةَ وَ مَأْمُورٌ بِالْإِجَارَةِ»، من مهمان شما هستم و به شما پناه آورده ام را در هر کجا می توان خواند ولی ربطی به بحث ما نحن فيه ندارد و مضافاً به اینکه این زیارات هفتگی هم سند محکمی ندارد. ضمناً استجاره عنوان قصدی است و بدون قصد، این عنوان محقق نمی شود، ولی در مورد حرم مکه که در آیه هم آمده گفتیم که احتیاج به قصد ندارد و در مورد حرم امام حسین (ع) احتیاج به قصد دارد.

**الحمد لله رب العالمين**